



نیروی قدس با استفاده از راهبرد نفوذ نرم‌افزاری دست به ایجاد حوزه‌های نفوذ برای محور مقاومت زده است

# سردار سلیمانی تئوریسین نفوذ نرم‌افزاری


**سید مهدی طالبی**

روزنامه‌نگار

واقعیت‌های میدانی در عرصه بین‌الملل به‌خوبی گواہ این است که جبهه استکبار علی‌رغم تغییر شیوه در استثمار کشورها، توان و اثرگذاری یک یا دو قرن گذشته خود را از دست داده و نمی‌تواند چون گذشته در جای جای کره‌خاکی مستعمره‌هایی داشته باشد. در مقابل اما جبهه مبارزه با استکبار که در هر گوشه‌ای از دنیا تحت‌عنوانی فعالیت می‌کنند، مردان بزرگ و بزرگ‌تری را برای این نبرد تربیت کرده‌اند. از «ارنستو چه‌گوارا» تا مصطفی چمران و از او تا قاسم سلیمانی، می‌توان خط سیر این تعالی را به‌خوبی درک کرد. اگر چه‌گوارا در جغرافیای کوبا بیشترین اثر را گذاشت و چمران در لبنان و ایران چنین نقشی را ایفا کرد، سردار قاسم سلیمانی، نه در جغرافیای ایران و یک یا دو کشور دیگر که در سراسر غرب آسیا و حتی بخشی از آفریقا نقش آفرین بود. او در جغرافیایی به وسعت نزدیک به دو میلیون کیلومترمربع علاوه بر هدایت منویات جمهوری اسلامی، منافع استکبار را نیز به چالش می‌کشید. شهید سلیمانی حتی در مقابله با یکی از خطرناک‌ترین فرزندان دنیای استکبار یعنی تروریست‌های داعشی نیز موفق عمل کرد و توانست در عراق و سوریه با مدیریت‌بی‌بدیل خود، مردم بی‌پناه این کشورها را از دست فرزندان غرب و کشورهای مرتجع عربی برهاند و داعش را که ادعای خلافت و حکومت داشت، آواره بیابان‌ها و کوه‌های صعب‌العبور کند. این عملکرد، قاسم سلیمانی را تبدیل به بزرگ‌ترین ژنرال قرن بیست‌ویکم کرد. این عملکرد قابل‌تقدیر البته در روح بزرگ او هیچ تاثیری نداشت و سلیمانی به آفق‌هایی فراتر از غرب آسیا چشم دوخته بود. سردار سلیمانی درباره نفوذ ایران در قلب منطقه در نشست افق رسانه گفته بود که «نگرانی جدی جبهه استکبار، قدرت نرم‌افزاری روزافزون نظام اسلامی در منطقه است.» و از بزرگ شدن ایران در منطقه می‌گفت و این بزرگ شدن را فاعر از مبانی سیاسی و مذهبی می‌دانست: «ما امروز در خاورمیانه خیلی بزرگ شده‌ایم اما این بزرگ شدن با گذشته خیلی تفاوت دارد. این بزرگ شدن، کم‌هزینه، منطقی و عمیق بوده است. ما با حداقل تلفات و هزینه این بزرگ‌تر شدن را به دست آوردیم. این بزرگ شدن عمیق است و در راستای منافع ملی ایران است و چارچوب احساساتی و سیاسی ندارد.» در این گزارش با توجه به بیانات روز گذشته رهبر انقلاب مبنی بر اینکه «شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه از در میان ملت‌های اسلامی رایج کرد،» به بررسی گوشه‌ای از اقدامات این فرمانده بزرگ نیروی قدس سپاه پاسداران پرداخته شده است.

**درخواست برای ملاقات ۵ دقیقه‌ای با سردار سلیمانی**
در سال‌های گذشته برخی رسانه‌های منطقه و غربی، مدعی رایزنی بین نیروی قدس سپاه و جریان اخوان المسلمین در مصر شده بودند. به‌طور حتم اخوان المسلمین می‌توانست بخشی از پروژه سردار سلیمانی برای مبارزه با استکبار و غرب باشد، اما بااین حال هیچ خبر رسمی در این‌باره در رسانه‌ها منتشر نمی‌شد تا اینکه در دی‌ماه سال ۹۱، روزنامه القیس به نقل از منابع بلندپایه امنیتی مصر ادعا کرد که سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران طی دیداری پنج روزه از قاهره، با عاصم الحداد، مسئول روابط خارجی دفتر ریاست‌جمهوری مصر در دولت محمد مرسی دیدار و مذاکره داشته است. این منابع تأکید کردند که موضوع مذاکرات دو طرف چگونگی تسلط و کنترل بر سروس اطلاعات و امنیت مصر بوده است. این دیدار در یکی از مشهورترین هتل‌های شهر قاهره انجام شد و طی آن واحدهای امنیتی دفتر ریاست‌جمهوری مصر با ایجاد یک حصار امنیتی در اطراف هتل، مانع از ورود نیروهای پلیس وزارت کشور مصر به این هتل شدند. این رسانه ادعا کرده بود که هماهنگ‌کننده این دیدار، رهبران اخوان المسلمین بودند.

اما چند روز بعد توسط دستیار محمد مرسی، رئیس‌جمهور این کشور، این خبر تکذیب شد تا ابهامات در این زمینه باقی بماند. چند سال بعد در آبان ۹۸ سایت اینترنتیست مدعی شد مجموعه استاد وزارت اطلاعات ایران که به این رسانه درز کرده، نشان می‌دهد نیروی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و گروه اسلام‌گرای اخوان المسلمین در گذشته مذاکرات محرمانه‌ای داشته‌اند. بنابر این گزارش، نمایندگان نیروی قدس سپاه و اخوان المسلمین در ماه آوریل ۲۰۱۴ یعنی حدود هشت ماه پس از کودتای ارتش مصر علیه محمد مرسی، رئیس‌جمهوری وابسته به گروه اخوان المسلمین، در ترکیه دیداری داشتند. این خبر نیز از سوی هیچ طرفی تأیید نشد تا همچنان ابهام در این زمینه باقی بماند.

رسمی‌ترین خبر درباره ارتباط اخوان المسلمین مصر با سردار سلیمانی را بهمن سال گذشته حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه رئیس‌مجلس در امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی در همایش تحلیلی بر نقش شهید سپهبد سلیمانی در توسعه امنیت، عدالت و صلح منطقه‌ای و جهانی اعلام کرد. امیر عبد‌اللهیان از دیدار چند دقیقه‌ای در تهران و نه قاهره خبر داده اما مشخص نیست که آیا دیدارهای دیگری بین طرفین صورت گرفته یا خیر. او گفت که زمانی در اوج تحولات مصر در سال ۲۰۱۲ میلادی وقتی مرحوم مرسی

از جریان اخوان المسلمین، رئیس‌جمهور مصر شده بود، به آنجا رفتیم. قرار شد حلقه نخست پیرامون مرسی به ایران بیایند که آمدند و تفاهنامه‌هایی امضا شد. آنان درخواست داشتند ژنرال سلیمانی را در حد پنج دقیقه ببینند و گفتند آقای مرسی از ما خواسته است سردار را ببینیم و گفته سردار از انقلابیون حمایت می‌کند و این برای ما خیلی خوب است که در مصر بگوییم با سردار ملاقات داشته‌ایم.»

امیرعبداللهیان اضافه کرد: «به سردار گفتم و ایشان گفت اگر جمع‌بندی از توافقات مثبت است، آنها را می‌بینم و چنین کرد. ایشان جلوی در ورودی ایستادند و با تک‌تک میهمانان احوالپرسی کردند، تلفن فوری پیش آمده بود و بیرون رفتند. در فاصله‌ای که برگشتند، آنها گفتند آیا سردار را می‌بینیم یا نه و من گفتم همانی که جلوی در از شما استقبال کرد، سردار بود. آنها تعجب کرده و گفتند ما فکر می‌کردیم با آدم خشن و سختگیر مواجه می‌شویم. سردار بعد در نشست، نکاتی مطرح کرد که بعد از سقوط مرسی یکی از این افراد در ملاقات در کشور ثالث، گفت اگر به معنای توانایی سلیمانی عمل می‌کردیم، این اتفاق برای ما نمی‌افتاد!»

متاسفانه اخوان المسلمین و محمد مرسی به توصیه‌های سردار سلیمانی توجهی نکردند و همین مساله نیز باعث شد دموکراسی در مصر عمر کوتاهی داشته باشد. بااین حال به نظر می‌رسد سردار سلیمانی سال‌های بعد از کودتا نیز محدودیتی برای تعامل و گفت‌وگو با اخوان المسلمین نداشتند و در حد توان برای مقابله با جبهه استکبار به این تشکیلات کمک کرده است.

### نفوذ نرم‌افزاری

مفهوم «قدرت نرم» از اساس رویکردی غیر مادی نسبت به قدرت است. این «توانایی» قدرت سخت را وارد ذهن کرده و آن را در لایه‌های عمیق تفکر مردم جای می‌دهد. یک کشور می‌تواند با استفاده از قدرت سخت همانند نیروهای نظامی‌اش یک کشور دیگر را مجبور به اجرای سیاستی خاص کند یا از طریق قدرت نرم کشور مقابل را نسبت به سیاست موردنظر خود علاقه‌مند کند. قدرت نرم به معنای توانایی جذب دیگران است و این توانایی جذب دیگران، منجر به نفوذ در آنان می‌شود. (جان پرور، صالح آبادی، نادری چنار ۱۳۹۷)

یکی از دلایل اصلی لزوم مقابله نرم‌افزاری با سلطه آمریکا، استفاده این کشور از قدرت نرم خود به موزات قدرت سختش برای نفوذ در جهان است. آمریکا با استفاده از رسانه‌ها، قدرت علمی و پیشرفت‌هایش در فناوری، چهره‌ای شکوه‌آمیز از خود به بسیاری از مناطق جهان صادر کرده است. تصویری مثبت از یک آمریکای قدرتمند می‌تواند کارواشنگتن را برای نفوذ در یک کشور آسان‌تر کند. اگر خبرنگان و مردم این کشورها تنها راه پیشرفت کشورشان را آمریکایی شدن بدانند کاخ سفید به راحتی می‌تواند بر آن منطقه مسلط شود. در سوی دیگر تصویر شکوه‌آمیز از آمریکا باعث سرخورگی و ایجاد تریس در جبهه مخالف این کشور می‌شود. آنها با توجه به تصویری که از آمریکا در ذهن‌شان ترسیم شده مبارزه با آمریکا را اقدامی کم‌اثر محاسبه کرده و به جای ادامه مبارزه به سازش روی خواهند آورد. بر همین اساس مقابله با ارائه تصویری شکوه‌آمیز و شکست‌ناپذیر از آمریکا می‌تواند راه اصلی در مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه کاخ سفید باشد. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پایه اصلی «علیه نرم‌افزاری بر هیمنه آمریکااست.» اجزای این قدرت نرم در صورت تقویت به دلیل تعارض ذاتی با غرب و سلطه‌طلبی استعمارگران، می‌توانند ضریات کاری به تسلط آمریکا در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا وارد کنند. افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به صورت نسبی باعث کاهش وزن قدرت نرم نسبی آمریکا در منطقه خواهد شد.



درحالی‌که چین با استفاده از نظام سیاسی متمرکز خود توانست برخوردار مناسبی با همه‌گیری کرونا داشته باشد و آن را به سرعت کنترل کند، کشورهای غربی ضمن غافلگیری سطح بالا در برابر کرونا متحمل ضربات سنگینی شدند. کشوری مانند آمریکا تاکنون نزدیک به ۳۰۰ هزار کشته در بحران کرونا داشته است و بخش زیادی از اقتصادش همانند بسیاری دیگر از کشورهای پیشرفته غربی آسیب‌دیده است. این مساله باعث شد تا مردم جهان و حتی کشورهای غربی نسبت به ایجاد نظام‌های سیاسی متمرکز همانند چین در کشور خود علاقه‌مند شوند و نظام لیبرال دموکراسی غربی را در برابر بحران‌ها ناتوان فرض کنند. عملکرد مطلوب دولت چین در بحران کرونا و در مقابل ضعف شدید نظام‌های غربی و در اس آنها آمریکا باعث شد تا قدرت نرم چین در جهان افزایش یابد. این افزایش قدرت چین به‌خودی خود و حتی اگر کشورهای غربی نیز دچار ضعف نمی‌شدند باعث کاهش نسبی قدرت آمریکا در جهان می‌شد. آمریکا در نظام تک‌قطبی جهانی خود را تنها الگوی رهایی‌بخش جهان توصیف می‌کرد به گونه‌ای که فرانسسین فوکویاما سه دهه قبل لیبرال دموکراسی غربی را پایان جهان دانسته بود و معتقد بود این نظام دچار ضعف و سقوط نخواهد شد. این مساله روشن است که پیدا شدن الگوی رقیب در قالب نظام شرقی که چین نمایندگی آن را برعهده دارد، باعث کاهش نسبی فراگیری الگوی لیبرال دموکراسی غربی می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنا اقداماتی را برای الگودهی به کشورهای جهان و به‌خصوص منطقه آغاز کرده است. نقطه آغازین این الگو خود کشور ایران است که با سرنگونی نظام پادشاهی وابسته به غرب و اخراج مستشاران نظامی و سیاسی آمریکایی موفق شد استقلال خود را بازیابی کرده و امنیتش را مجدداً برقرار کند. ایران همچنین در برابر تهاجمات مختلف نظامی، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی غرب ایستادگی کرده است. بازخوانی تاریخ چهار دهه‌ای جمهوری اسلامی ایران و دنبال کردن اخبار مقابله و مواجه ایران با غرب و سیاست‌هایش مساله‌ای بسیار مهم برای ملت‌های منطقه است. آنها به خوبی می‌بینند کشوری مستقل وارد درگیری با آمریکا شده و برخلاف سیاست‌های واشنگتن برنامه‌های خود را به پیش می‌برد. مجموعه اقدامات ایران در حوزه ایجاد وحدت ملی، نظام دموکراسی که نزدیک به ۱۴۰ انتخابات در حوزه‌های مختلف تعیین نظام سیاسی، تصویب و تغییر قانون اساسی، ریاست‌جمهوری، مجلس و شوراهای شهر، پیروی اکثریت مردم ایران از رهبر خود و حمایت از او در مقابله با غرب و بحران‌های داخلی ازجمله مسائلی بوده است که در نگاه ملتها و سیاستمداران منطقه‌ای تحسین‌برانگیز بوده است. برخی عوامل سیاسی ازجمله ثبات سیاسی، نوع نظام سیاسی، اقتدار ملی و رهبری از مولفه‌های اصلی قدرت نرم به‌شمار می‌آیند (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۷)

رخدادهای مختلف در دوران برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران و عملکرد مسئولان و مردم کشور باعث پیدایش فرصت‌هایی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای برای ایران شده است. از نتایج فرصت‌های ایجاد شده می‌توان به بسط منافع ملی در سطح بین‌المللی، افزایش قدرت ملی، ارائه تصویر مثبت از انقلاب اسلامی در ذهن ملت‌های دیگر، برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضربی امنیت ملی از طریق مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف، افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه و جهان، بازتولید اندیشه مقاومت به‌ویژه در بین ملت‌های منطقه و ایفای نقش تعیین‌کننده در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره کرد. (افضلی، زکی، دشتی، ۱۳۹۷)

تقویت هرکدام از مزیت‌های جمهوری اسلامی می‌تواند باعث تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران شود. به‌عنوان نمونه حضور هرساله مردم ایران در راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن روز قدس یا راهپیمایی‌ها در حمایت از نظام در برابر بحران‌ها و داخلی برای ملت‌های مسلمان دیگر امیدبخش بوده و آنها را به فکر حرکت‌های مشابه می‌اندازد. همراهی مردم با نظام اسلامی و رهبران آن پیش از انقلاب و پس از آن در



بحران‌های تجزیه‌طلبی، جنگ تحمیلی و مقابله با آمریکا باعث افزایش انگیزه این ملت‌ها می‌شود. به‌عنوان نمونه بسیاری از ملت‌های مسلمان در جریان نبرد با تکفیری‌های داعش دیدند که چگونه مردم ایران به حمایت همه‌جانبه از سردار سلیمانی برای مبارزه با داعش پرداختند. درحالی‌که کشورهای دیگر نظاره‌گر هجوم و فتوحات داعش بودند، سردار سلیمانی به همراه مستشاران جوان ایرانی و گاهی گروه‌های نظامی ایرانی در سخت‌ترین شرایط به اجرای عملیات می‌پرداختند. افزایش حمایت‌ها از نیروهای مدافع حرم ایرانی، تعداد بالای درخواست‌ها برای اعزام به سوریه و تشییع باشکوه شهدای مدافع حرم سوالی را در ذهن بسیاری ایجاد کرد که این حجم بالای حمایت مردمی از یک فرمانده نظامی و نیروهای نظامی در جنگی سخت و خارج از خانه برای چیست.

حضور نیروهای نظامی جوان و فرماندهی آنها بر دسته‌های نظامی عراقی و سوریه‌ای و تشکیل بسیج مردمی در این کشورها، بقای دو کشور عراق و سوریه را تضمین کرد. آنها با حضور سبیل مستشاران کاربلد ایرانی و اقدامات چندبعدی آنان متوجه اقداماتی که جمهوری اسلامی را شکل داده، شدند و به الگوبرداری از آن پرداختند. سرداران ایرانی با ورود به دمشق در روزهای بحران و درحالی‌که نقطه‌ای امن در پایتخت سوریه وجود نداشت، سرنان این کشور را راضی کردند تا مردم را مسلح کنند. تسلیح مردم دمشق به‌سرعت فتوحات تروریست‌های تکفیری را کُند کرد. پس از آن نیز مستشاران نظامی ایران همانند شهید سردار حسین همدانی «قوات الدفاع الوطني» را در سوریه پایه‌گذاری کردند که مشابه نیروی مقاومت بسیج در ایران است. این نیرو درحالی که ارتش سوریه با موجی از فراریان روبه‌رو بود و تعداد زیادی از سربازانش کشته شده بودند، با استفاده از پتانسیل چندمیلیونی مردم سوریه تشکیل شده و بقای سوریه را تضمین کرد. پس از تشکیل نیروهای «قوات دفاع وطنی» در سوریه، هرکجا که تروریست‌ها یا می‌گذاشتند، با مردم مسلح مواجه می‌شدند. پس از مقابله اولیه با تروریست‌ها در محل حمله، نیروهای دفاع وطنی سوریه از دیگر نقاط به‌سرعت خود را به منطقه درگیری می‌رساندند که حاکی از توانایی سیستم بسیج برای دفاع موزائیکی و تقویت‌پذیری سریع آن بود. اجرای این استراتژی نفس تهاجمی تروریست‌ها را در سوریه گرفت تا کار به مرحله آزادسازی برسد. ارتش سوریه که حالا توانسته بود از بسیج مردمی برای مقابله با تروریست‌ها برخوردار شود، خیالش از سقوط شهرها راحت شد و توانست تمرکز خود را بر نقاط حساس قرار دهد. این مساله دلیلی مشخص داشت، زیرا با مردمی شدن برقراری امنیت دیگر نیازی به حضور ارتش سوریه در همه مناطق نبود و این ارتش می‌توانست در نقاط کمتری مستقر شود. با این توصیف می‌توان گفت بسیج مردمی سوریه ضمن آنکه نفس تروریست‌ها را گرفت، به ارتش سوریه تنفسی حیاتی داد تا با توان بیشتری به جنگ بپردازد. شهید سردار سلیمانی و شهید سردار همدانی برای تشکیل بسیج مردمی در سوریه اقدامات مادی خاصی انجام ندادند. بزرگ‌ترین اقدام آنها ارائه الگوی بسیج به مردم سوریه بود. ارتش سوریه تسلیحات بسیار زیادی در اختیار داشت، به‌گونه‌ای که تعداد تانک‌های آن یکی از بالاترین اعداد در جهان بود. اکثر فرمانده‌های نیروهای بسیج مردمی سوریه نیز از مردم و نظامیان این کشور بودند. این نیروها حتی توسط افسران ارتش سوریه مورد آموزش قرار گرفتند. ایران با صرف کمترین زمان، هزینه و استفاده از کمترین میزان نیرو توانست قدرتی مهیب در سوریه برای تضمین بقای این کشور ایجاد کند.

چنین مساله‌ای در عراق نیز رخ داد. در سال ۲۰۱۴ و به‌دنبال سقوط سریع قسمت‌های شمالی و غربی عراق و رسیدن نیروهای داعش به نزدیکی بغداد سه میلیون عراقی برای مقابله با داعش ثبت‌نام کردند و با آموزش مستشاران نظامی ایران و مستشاران اعزامی ازسوی نیروهای مقاومت لبنان

موفق شدند با متوقف کردن فتوحات داعش سرانجام در سال ۲۰۱۷ آن را به‌طور کامل در کشورشان شکست دهند. ایران در این کشور نیز با هزینه‌ای بسیار کم موفق به این اقدام شد. کشور عراق با ثروت نفتی خود نیازی به کمک‌های تسلیحاتی نداشت و حتی در جنگ از ایران به مقدار زیادی اسلحه خرید. در این جنگ اساس نیروهای میدانی خود عراقی‌ها بودند و مستشاران ایرانی مانند شهید تقوی به هدایت آنها در میداین نبرد می‌پرداختند.

قدرت نرم ایران باعث شد تا سیاست آمریکا و کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس برای اشغال و تجزیه عراق شکست خورده و عراق با قدرتی بیشتر وارد تحولات غرب آسیا شود. تمام این دستاوردها مرهون ارائه الگوی بسیج مردمی به این کشورها بود. این الگودهی با ارسال گسترده تسلیحات و سربازان همراه نشد، بلکه راهی جلو‌پای مردم سوریه و عراق برای بقا قرار داد.

### انگذاری بالای نفوذ نرم‌افزاری

نفوذ نرم‌افزاری قابلیت ماندگاری بالایی دارد. اگر یک کشور بخواهد نیروی نظامی خود را در منطقه‌ای به‌صورت گسترده منتقل کند، با واکنش‌های چندجانبه‌ای ازسوی دیگر بازیگران روبه‌رو خواهد شد. در چنین جنگ‌هایی تلفات نیز زیاد هستند، زیرا نیروی نظامی با جغرافیای جدید آشنا نیست و در سوی دیگر باید در پایگاه‌های محدودتری متمرکز شده و از تسلیحات بیشتری نیز بهره برد. پس از پایان جنگ نیز ادامه نفوذ منوط به باقی ماندن نیروهای نظامی است و با خروج آنها نفوذ نیز از بین می‌رود. اما در نفوذ نرم‌افزاری که به‌ویژه در جنگ‌های اخیر منطقه توسط مجموعه تحت هدایت شهید سلیمانی ایجاد شد، چارچوب دفاعی محور مقاومت با استفاده از نیروهای محلی چیده شد. در نبرد با تکفیری‌ها ایران دست به انتقال تیپ یا لشگر به میدان جنگ نزد، بلکه الگوی بسیج مردمی خود را به سوریه و عراق منتقل کرد. انتقال نیروی نظامی توسط ایران می‌توانست شکل جنگ را تغییر داده و دیگر بازیگران جنگ سوریه را نیز به حضور مستقیم بکشاند. در اینجا می‌توان به ترکیه اشاره کرد که پس از شکست نیروهای تکفیری مورد حمایتش در شمال سوریه بالاچار به‌صورت مستقیم ده‌ها هزار سرباز ترکیه‌ای را در منطقه مستقر کرد. درحالی‌که قبلاً ۳۰ هزار تکفیری با تسلیحات سبک نظامی برنامه‌های ترکیه برای تجزیه سوریه را پیش می‌بردند، حالا به این تعداد ۲۰ هزار نظامی ترکیه‌ای نیز اضافه شده‌اند. این نظامیان برخلاف تروریست‌های تکفیری مجبور هستند در استقرار خود از انواع تسلیحات سنگین مانند تانک، نفربر، توپخانه و سامانه‌های پدافند هوایی استفاده کنند. این نظامیان همچنین در مقایسه با شیوه استقرار تکفیری‌ها در نقاط محدودتر و مشخصی مستقر شده‌اند که در صورت جنگ آسیب‌پذیری آنها را بالاتر می‌برد. از سوی دیگر این نوع حضور باعث می‌شود ترکیه در نگاه مردم سوریه کشوری اشغالگر به‌نظر برسد.

اما ایران برخلاف دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه ترکیه بر مبنای عقاید اسلامی خود و حفاظت از ملت‌ها گام به سوریه نهاد و به‌جای تسلط بر این کشور مردم سوریه را برای حفظ سرزمین‌شان توانمند کرد. این حضور گام‌به‌گام ایران قدرت نرم محور مقاومت در منطقه را افزایش داد. به هر میزان که قدرت‌سازی، ماهیت مرحله‌ای و کم‌شدتی داشته باشد، طبیعی است که نتایج تاثیرگذار فراگیرتری را به‌وجود خواهد آورد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۶). همین ماهیت مرحله‌ای و کم‌شدت پهانه و فرصت‌تاهجم را از رقبای محور مقاومت نیز گرفته است. تهاجمات بیهوده و هم‌اراه‌های کور رژیم صهیونیستی در سوریه به همین دلیل تاکنون به دستاوردی نرسیده است. نه نقطه نظامی خاص و نه شخص خاصی برای از بین بردن وجود دارد.

مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از ملت‌ها در محور مقاومت وجود دارند که بر اساس دیدگاه‌ها یا یکدیگر هماهنگ شده‌اند. آمریکایی‌ها با ترور ناجوانمردانه سردار شهید سلیمانی می‌خواستند شیوازه محور مقاومت را از هم بپاشانند، اما یک‌چیز را درنظر نگرفته بودند و آن اینکه سردار سلیمانی به چه صورت آمریکا و متحدانش را شکست داد؟ پاسخ به این سوال راهگشای بسیاری ازمسائل دیگر است. تشییع جنازه باشکوه شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس در عراق و ایران و تظاهرات در شهرهای مختلف هند، پاکستان، آذربایجان و دیگر مناطق ظهور مادی نفوذ نرم‌افزاری‌ای بود که در منطقه ایجاد شده است.

### منابع

- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار و دشتی، محمد حسین (۱۳۹۷). مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۴۲-۱۲۱

- جان پرور، محسن، صالح آبادی، ریحانه و نادری چنار، زکیه (۱۳۹۷). تبیین جایگاه قدرت نرم در افزایش نفوذ سیاسی ایران در افغانستان مورد: همکاری‌های علمی ایران افغانستان، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۶۱-۳۳

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). کالبدشکافی تهدید. تهران: انتشارات دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.